

این گرایش پس از کنفرانس کادرهای بالا و کنفرانس کادرهای نظامی و سیاسی که در سال گذشته تشکیل شد و نیز در اثر جنبش برای " پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق " برای " پشتیبانی از ارتش " که امسال در جشن بهاره بر پا گردید طور عمده از بین رفت . ولی ما باید همچنان بکوشش خویش ادامه دیم تا آخرین بقایای آنرا براندازیم . در پایگاههای ما در چین شمالی و مرکزی نیز منش میلیتاریستی وجود دارد . سازمانهای حزب و نیروها مسلح ما در این مناطق باید برای رهایی از آن اهتمام جدی بخرج ده .

خواه در مورد بوروکراسی ، کار محلی و خواه در مورد منش میلیتاریستی در کار ارتش ماهیت عا یکی است : بریده شدن از توده ها . اکثریت قاطع رفقای ما خوباند آنهائی که چنین نقایصی دارند وقتیکه مورد انتقاد قرار گیرند و باهاتشان از این طریق آشکار گردد اصلاح خواهند شد . ولی لازم است از خود انتقاد کنند ، گرایش های اشتباه آمیز خویش را صریحاً بینند آنها را جداً اصلاح کنند . اگر از انتقاد بوروکراسی در کار ما و منش میلیتاریستی در ارتش خودداری شود نشانه آنستکه مبهند سبک گویندگان را حفظ کنند ، میخواهند غبار بوروکراسی و میلبسم را از چهره خود که قبلاً پاک بود نزدایند ، نشانه آنستکه آنکمونیست خوب نیستند . همینکه این دو گرایش از میان رفت ، کادر کلیه زمینه ها و از آن جمله در جنبش تولید با موفقیت گسترش یافت .

در اثر موفقیت های شایانی تولید که خواه بوسیله توده های دهقان و خواه بوسیله دستگاهها مدارس ، ارتش و کارخانه ها بدست آمده و نیز در اثر آنکه مناسبات ، ارتش و خلق بهبود بسیار پذیرفته

منظره منطقه مرزی ما عمیقاً تغییر پانده است . همه اینها نشانه آنستکه رفقای ما نقطه نظر توده‌های روشن‌تره دارند و در مورد پیوند با توده‌ها به پیشرفتهای زیاد نائل آمده‌اند . لی ما نباید بر مسند افتخار خویش بلمیم ، بلکه باید به انتقاد از خود و به پیشرفت ادامه دهیم . در تولید نیز پیوسته برای پیشرفت خواهیم کفید . رخسار ما ممکن است کثیف شود ، باید آنرا هر روز بشوئیم . سر ما ممکن است گرد بگیرد ، باید آنرا هر روز بروسیم . با آنکه بوروکرا در کار محلی و منشی میلیتاریستی در ارتش علی‌الاصول از میان رفته است این گرایشهای زیانمند ممکن است دوباره بظهور برسد . ما در صفت بهم فشردن امپریالیسم ژاپن و نیروهای ارتجاع چین محاصره شده‌ایم : در میان خرده بورژوازی بی انضباط بسر میبریم ؛ چرک بوروکراسی و ستاریسم که هر روز به رخسار ما مینشیند از اینجاست . از این جهت هیچ حالی نباید از موفقیت‌های خود مغرور شویم . همچنانکه هر روزسار خود را میشوئیم تا پاک بماند و سرای خود را میروسیم تا گرد نماند خودپسندی را بدور افکنیم و نقایص خود را پیوسته انتقاد کنیم .

قهرمانان کار و کارمندان نمونه امر تولید ! شما در رأس خلق هستید . شما در کار خویش بنتایج شی رسیده‌اید . امیدوارم که شما نیز بر مسند افتخار خویش نلمید . وارم که پس از بازگشت به محلهای خود ، به گوان جون ، لوزن ، مان بین ، سوی ده ، و به شهرستانهای مختلف تابعین ان ، پس از گشت به دستگاهها ، مدارس ، واحدهای ارتش و کارخانه‌ها در رأس ، در رأس توده‌ها قرار خواهید گرفت تا آنکه کار خویش را باز هم انجام دهید و قبل از هر چیز توده‌ها را برحسب اصل داوطلبی کثوراتیوها گرد خواهید آورد

و آنها را بهتر و هر روز بیشتر متشکل خواهید ساخت . امیدوارم که شما پس از بازگشت در راه این وظیفه اهتمام خواهید ورزید ، مبلغ آن خواهید شد ، بطوریکه از حالا تا کنفرانس جدید قهرمانان کار که در سال آینده تشکیل میشود بنتایج باز هم درخشان‌تری نائل آئیم .

یادداشتها

- ۱ - "مو" واحد سطح زمین چین است . ده فن مساوی يك مو و يك مو مساوی يك پانزدهم هکتار است . - مترجم
- ۲ - مستخرج از « منسیوس » ، جلد ۳ ، « گون سون چو » بخش اول .
- ۳ - اشاره است به متن « جنبش بمنظور تقلیل بهره‌مالکانه ، افزایش تولید ، پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق » را در پایگاهها گسترش دهیم » ، جلد حاضر .
- ۴ - مراجعه شود به لینن : « در باره کثوپراسیون » .
- ۵ - « گروههای مبادله کار » و « گروههای مبادله واستجاره کار » ، در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا ، سازمانهایی بود برای کمک متقابل جمعی در تولید کشاورزی . « مبادله کار » وسیله‌ای بود برای آنکه دهقانان نیروهای کار را بین خودشان جرح و تعدیل کنند ، به شکل‌های زیرین : مبادله روزکار انسان با روزکار انسان ، مبادله روزکار گاوها با روزکار گاو ، مبادله روزکار انسان با روزکار گاو و غیره . دهقانانی که به گروههای مبادله کار می‌پیوستند بطور جمعی و بترتیب سهم خود را از حیث نیروی کار انسانی ، یا حیوانی برای کشت زمین هر خانواده عضو گروه ادا میکردند . در تصفیه حساب ، روزکار واحد مبادله بود . آنهایی که بیش از دیگران روزکار انسانی و یا روزکار حیوانی تحویل میدادند تفاوتش را از دیگران دریافت میداشتند . « گروههای مبادله و استجاره کار » عموماً بوسیله دهقانانی تشکیل میشد که باندازه کافی زمین نداشتند . اعضاء این گروه‌ها در عین حال که بین خود بمنظور کمک متقابل به مبادله کار می‌پرداختند در نزد خانواده‌هایی که محتاج نیروی کار بودند بطور جمعی اجیر میشدند .

۶ - مراجعه شود به « سیاست اقتصادی ما » ، یادداشت ۲ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۱ .

۷ - جو گه لیان (۱۸۱ - ۲۳۴) سیاستمدار و سردار جامعه فئودالی چین بود که در رمان تاریخی چینی بعنوان « داستان سه امپراطوری » بمنزله مظهر هوش و خرد است . - مترجم

www.KetabFarsi.com

بررسی ما و وضع حاضر

(۱۲ آوریل ۱۹۴۴)

۱

کادرهای بالای حزب ما از زمستان گذشته به مطالعه مسئله دو خطی در تاریخ حزب مشغول اند. این امر به کادرهای بالای کشرالعه امکان داده است که سطح سیاسی خویش را به ارتقاء بسیار برسانند. در طی بررسی مذکور مسائل زیادی از طرف رفقای ما مطرح شده و بوروی سیاسی کمیته مرکزی در برخی از مسائل مهم بنتایج زیرین رسیده است :

۱ - روشی که باید در بررسی تجربه تاریخی ما اتخاذ شود.

از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ ارگان رهبری مرکزی و کادرهای بالای حزب کمونیست چین به بحث‌هایی درباره تاریخ حزب و بویژه دوره‌ای که در فاصله بین آغاز ۱۹۳۱ و پایان ۱۹۳۴ قرار دارد پرداختند. این بحث‌ها به تحقق وحدت ایدئولوژیک حزب بر اساس مارکسیسم - لنینیسم کمک بسیار کرد. جلسه وسیع بوروی سیاسی کمیته مرکزی که در ژانویه ۱۹۳۵ در زون ای از استان گوی جو انعقاد یافته بود، مشی اشتباه‌آمیز "چپ" را که از آغاز ۱۹۳۱ تا پایان ۱۹۳۴ استقرار داشت اصلاح کرده بود. این جلسه ترکیب ارگان رهبری مرکزی را تغییر داده، رهبری جدیدی که رفیق مائو سه دون در رأس آن قرار داشت مستقر ساخته و مشی حزب را براه صحیح، براه مارکسیستی - لنینیستی باز آورده بود. معذک بسیاری از کادرهای حزب ماهیت مشی‌های اشتباه‌آمیز گذشته را

کمیته مرکزی بر آن است که ما باید به کادرها یاری دهیم تا از نقطه نظر ایدئولوژیک درک کاملی از مسائل مربوط بتاریخ حزب داشته باشند و در عین حال باید در تصمیمات خود در مورد کادرهایی که در گذشته اشتباهاتی داشته‌اند سیاست اغماض در پیش گیریم تا از یک سو کادرها تجربه تاریخی حزب ما را عمیقاً دریابند و دو باره با اشتباهات گذشته گرفتار نیایند و از سوی دیگر بتوانیم کلیه رفقا را در راه وظیفه مشترک متحد سازیم. حزب ما در طی تاریخ خویش بمبارزات عظیم بر علیه سشی‌های اشتباه‌آمیز چن دو سیو و لی لی سان پرداخته است، و این مبارزات مطلقاً ضرورت داشت. ولی در شیوه‌هایی که بکار رفت تقایمی موجود بود. نخست اینکه کادرها از نقطه نظر ایدئولوژیک عمیقاً به درک علل اشتباهات، اوضاع و احوالی که در پیرامون اشتباهات وجود داشته و تدابیر مشخصی که برای اصلاح آنها اتخاذ شده‌است رسانیده نشدند بطوریکه به تکرار اشتباهاتی از همین نوع امکان داده شد؛ دیگر اینکه بیش از اندازه بر روی مسئولیت‌های فردی پافشاری بعمل آمد و از اینجهت ما موفق نشدیم کلیه رفقائی را که ممکن بود در راه وظیفه مشترک متحد گردند

عمیقاً در نیافته بودند. بوروی سیاسی کمیته مرکزی برای آنکه سطح ایدئولوژیک مارکسیستی - لنینیستی کادرهای حزب را بیشتر بالا بیاورد چندین بار در ۱۹۴۲ - ۱۹۴۳ به بحث درباره تاریخ حزب پرداخت و سپس در ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴ مباحثی از همین نوع را در بین کادرهای بالا در سراسر حزب رهبری کرد. این بحث‌ها تدارک مهمی بود برای کنگره هفتم حزب که در ۱۹۴۵ تشکیل شد. این بحث‌ها بکنگره امکان داد که چنان وحدت ایدئولوژیک و سیاسی را که در تاریخ حزب کمونیست چین بیسابقه بود بتحقیق درآورد. «بررسی ما و وضع حاضر» سخنرانی رفیق مائو تسه دون است در کنفرانسی از کادرهای بالا در ین ان در موضوع مباحث مذکور.

متحد سازیم . این دو تقیصه باید برای ما هشدار باشد . این بار در برخورد با مسائل مربوط بتاریخ حزب نباید بر روی مسئولیت‌های فردی برخی از رفقا بلکه باید بر روی تحلیل اوضاع و احوال اشتباهات ، بر روی ماهیت اشتباهات ، بر روی ریشه‌های اجتماعی ، تاریخی و ایدئولوژیک آنها تکیه کنیم . باید طبق این اصل عمل کنیم : ” پند گرفتن از اشتباهات گذشته بمنظور اجتناب از بازگشت آنها “ و ” درمان بیماری بمنظور نجات بیمار “ تا آنکه به هدف دوگانه روشن ساختن افکار و متحد ساختن رفقا نائل آئیم . حزم و احتیاط ما در رسیدگی به وضع یکایک رفقا که نه از خطاهای آنان چشم پوشیم و نه بانان صدمه برسانیم نشانه نیرومندی و شکوفائی حزب ماست .

۲ - هر مسئله‌ای ، هر چه باشد ، باید بشیوه تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد . باید از نفی درست خودداری کرد . مثلاً باید مشیی را که ارگان رهبری مرکزی در دوران میان چهارمین پلنوم (۱) و جلسه زون ای در پیش گرفت از دو جنبه مورد تحلیل قرار داد : از یک سو باید خاطر نشان ساخت که تاکتیک سیاسی و نظامی که ارگان رهبری مرکزی در این دوره اتخاذ کرد و نیز سیاست او در مورد کادرها در جهات اصلی خود اشتباه‌آمیز بود ؛ از سوی دیگر باید متذکر شد که رفقائی که مرتکب اشتباهات شدند با ما در مسائل عمده‌ای نظیر مبارزه بر علیه چانکایشک ، اجرای انقلاب ارضی و پیکار ارتش سرخ اختلافی نداشتند . بعلاوه جنبه تاکتیک هم باید مورد تحلیل قرار گیرد . مثلاً اشتباه این رفقا در مسئله ارضی عبارت از آن بود که سیاست چپ‌روانه‌ای در پیش گرفته بودند و طبق آن به مالکان ارضی بهیچوجه زمین نمیدادند و زمین‌های بد را بدهقانان مرفه و امیگذاشتند ، ولی در اینکه ارضی مالکان ارضی مصادره

شود تا بین دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین تقسیم گردد با ما موافق بودند. لنین میگوید: تحلیل مشخص از اوضاع مشخص "جوهر و روح زنده مارکسیسم" (۲) است. بسیاری از رفقای ما که فاقد قریحه تحلیل‌اند در صدد تحلیل و بررسی مکرر و عمیق مسائل بغرنج بر نمی‌آیند و ترجیح می‌دهند که به نتیجه‌گیری‌های سطحی، مطلقاً مثبت یا مطلقاً منفی بپردازند. این واقعیت که مقاله تحلیلی در روزنامه‌های ما کم دیده میشود و عادت تحلیل هنوز باندازه کافی در حزب ما مرسوم نیست نشان میدهد که نقایص مذکور همچنان در بین ما وجود دارد. باید از این پس این وضع را اصلاح کرد.

۳ - بحث اسناد کنگره ششم حزب. باید متذکر شد که این کنگره خط‌مشی‌ای اتخاذ کرد که علی‌الاصول درست است زیرا که انقلاب کنونی را بمشابه انقلابی با خصلت بورژوا - دموکراتیک و وضعیت این دوره را بمشابه فاصله میان دو دوره اعتلاء انقلابی توصیف کرد، اپورتونیسیم و پوچیسم را محکوم ساخت و برنامه ده ماده‌ای را اعلام داشت (۲). همه اینها درست است. معذک کنگره دارای نقایصی بود. از میان کمبودها و اشتباهاتش این یکی را ذکر کنیم که خصلت بسیار متمادی انقلاب چین و اهمیت بسیار بزرگ پایگاه‌های روستائی را در این انقلاب روشن ساخت. ولی هر چه باشد، کنگره ششم در تاریخ حزب ما نقش متری بازی کرد.

۴ - آیا ارگان رهبری مرکزی بوقت که در ۱۹۳۱ در شانگهای بوجود آمد و پنجمین پلنومی (۴) که وی دعوت کرد قانونی بودند یا نه؟ کمیته مرکزی عقیده دارد که هر دو آنها قانونی بودند ولی باید متذکر شد که جریان انتخابات مخدوش بود و جای آنست که این امر بمنزله پند

تاریخ بخاطر سپرده شود .

۵ - مسئله گروه‌های فراکسیونی در تاریخ حزب . باید خاطر نشان ساخت که گروه‌های فراکسیونی که سابقاً وجود داشتند و نقش شومی در تاریخ حزب ما بازی کردند در اثر تغییرات متعددی که پس از جلسه زون ای روی داده است از بین رفته‌اند . اکنون که ما به بررسی دو خط مشی در درون حزب میپردازیم نشان دادن این امر ضرورت مطلق دارد که گروه‌های مذکور وجود داشته و نقش شومی در تاریخ حزب ما بازی کرده‌اند . ولی خطاست اگر تصور شود که پس از اینهمه تغییراتی که در طی مبارزات متعدد درون حزب روی داده - در ژانویه ۱۹۳۵ در جلسه زون ای ، در اکتبر ۱۹۳۸ در پلنوم ششم کمیته مرکزی منتخب کنگره ششم ، در سپتامبر ۱۹۴۱ در جلسه وسیع بوروی سیاسی (۵) ، در جریان جنبش اصلاح سبک کار که در ۱۹۴۲ در سراسر حزب برپا بود و در جریان جنبش بررسی مبارزات بین دو خط مشی در تاریخ حزب ، جنبشی که در زمستان ۱۹۴۳ آغاز گردید - گروه‌های فراکسیونی با همان برنامه‌های سیاسی و شکل‌های سازمانی اشتباه‌آمیز سابق هنوز میتوانند وجود داشته باشند . گروه‌های فراکسیونی سابق از بین رفته‌اند . دیگر فقط بقایای افکار دگماتیک و اسپریک بر جای مانده که آنها را هم میتوانیم با عمیق گردانیدن جنبش اصلاح سبک کار از میان برداریم . اما امروز در حزب ما پدیده خطیری تقریباً در همه جا دیده میشود که عبارتست از کناره‌نشینی کوهستانی (۶) ؛ این گرایش حاکی از بی‌بصری سیاسی است . مثلاً بین رفقائی از کاتگوری‌های مختلف بعلت تفاوت مبارزات گذشته آنها ، تفاوت مناطقی که در آنها کار میکنند (تفاوت میان این و آن پایگاه ، تفاوت میان مناطق اشغالی ژاپنی‌ها ، مناطق تحت نظارت گومیندان و پایگاه‌های

انقلابی) ، تفاوت بخش‌های گوناگون کار (تفاوت میان این و آن واحد ارتش ، میان این و آن کار) عدم تفاهم ، عدم احترام و عدم وحدت دیده میشود . بنظر میرسد که این پدیده ناچیز است ولی در واقع به وحدت حزب و به تقویت جنگ‌آزمایی وی زیان جدی میرساند . ریشه‌های اجتماعی و تاریخی کناره‌نشینی کوهستانی در این امر است که خرده بورژوازی در چین کثرت عجیبی دارد و دیری است که پایگاه‌های روستائی ما بوسیله دشمن از یکدیگر جدا افتاده‌اند . علت ذهنی این کناره‌نشینی کوهستانی عبارتست از کمبود کار آموزشی در حزب . معلوم ساختن این علت‌ها ، قانع ساختن رفقا پاینکه به بی‌بصری خویش پایان دهند و سطح آگاهی سیاسی خویش را بالا بیاورند ، رفع اختلاف نظرهایی که بین رفقا وجود دارد ، بسط تفاهم و احترام متقابل ، بطوری که وحدت عظیم سراسر حزب تحقق یابد ، اینست وظیفه مهمی که امروز در برابر ما گذاشته شده‌است .

درک روشن این مسائل از طرف همه اعضاء حزب نه فقط موفقیت بررسی کنونی ما بلکه پیروزی انقلاب چین را نیز تأمین خواهد کرد .

۲

وضع حاضر دو شاخص دارد : یکی تقویت جبهه ضد فاشیستی و زوال جبهه فاشیستی ؛ دیگر رشد نیروی توده‌ای و زوال نیروهای ضد توده‌ای در درون جبهه ضد فاشیستی . شاخص اول بدیهی است و باسانی دیده میشود . بزودی هیتلر مغلوب خواهد شد و تجاوزکاران ژاپنی نیز رهسپار شکست‌اند . شاخص دوم هنوز چندان بدیهی نیست و هر کس نمیتواند

آنها باسانی تشخیص بدهد . ولی هر روز خواه در اروپا و انگلستان و آمریکا و خواه در چین نمایان تر میگردد .

در چین رشد نیروهای توده‌ای را باید از روی تکامل حزب با توضیح داد .

در تکامل حزب ما در طی جنگ مقاومت میتوان سه مرحله را از یکدیگر باز شناخت : مرحله اول از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۰ . سلیتاریست‌های ژاپنی در ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ یعنی در طی دو سال نخستین این مرحله ، به گویندگان اهمیت میدادند و حزب کمونیست را بچیزی نمیشمردند . از اینجهت نیروهای عمده خویش را بر ضد جبهه گویندگان بکار انداختند . در سیاست آنها نسبت به گویندگان عنصر عمده حمله نظامی بود و اقدام سیاسی بمنظور ترغیب گویندگان به تسلیم عنصر فرعی بشمار می‌آمد ؛ آنها به پایگاههای ضد ژاپنی که بوسیله حزب ما رهبری میشد کم اهمیت میدادند و می‌پنداشتند که سروکارشان فقط با يك شت کمونیست است که بچنگ پارتیزانی مشغول‌اند . ولی امپریالیستهای ژاپنی پس از آنکه اوهان را در اکتبر ۱۹۳۸ بتصرف در آوردند شروع کردند باینکه سیاست خویش را تغییر دهند ، به حزب کمونیست اهمیت بگذارند و گویندگان را بچیزی نشمرند . در این موقع اقدام سیاسی بمنظور ترغیب گویندگان به تسلیم بصورت عنصر اصلی و حمله نظامی بصورت عنصر فرعی درآمد . امپریالیست‌های ژاپنی در عین حال بتدریج قوای عمده خود را جابجا کردند تا آنها را بر ضد حزب کمونیست بکار برند زیرا که دریافته بودند که نه از گویندگان بلکه از حزب کمونیست باید بترسند . در ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ هنوز گویندگان در جنگ مقاومت کم و بیش فعال مینمود و روابطش با حزب ما هنوز نسبتاً خوب بود . با وجود محدودیتهای متعددی

که مقرر داشته بود آزادی عمل نسبتاً زیادی به جنبش توده‌ای ضد ژاپنی میداد. اما پس از سقوط اوهان در اثر شکست‌های نظامی و خصومت روزافزون نسبت به حزب کمونیست بتدریج مرتجع‌تر شد، در مبارزه برعلیه حزب کمونیست فعال‌تر و در جنگ مقاومت بی‌حال‌تر گردید. حزب کمونیست در اثر تلفاتی که در جنگ داخلی داده بود در ۱۹۳۷ فقط قریب ۴۰۰۰ نفر عضو متشکل داشت و ارتشی که اندکی بیش از ۳۰۰۰۰ تن بود. از اینجهت میلیتاریست‌های ژاپنی آنرا بچیزی نمیشمردند. ولی در ۱۹۴۰ تعداد افراد حزب بر ۸۰۰۰۰ بالغ شد، ارتش ما قریب ۵۰۰۰۰ تن بود و جمعیت پایگاه‌ها، اگر کلیه کسانی را که با مالیات غلات میدادند و از آنجمله کسانی را که در عین حال به مقامات پوشالی هم مالیات غلات میدادند بحساب آوریم (۷)، مجموعاً قریب ۱۰۰ میلیون نفر بود. حزب ما در طی چند سال صحنه عملیات را که از مناطق آزاد شده تشکیل میشد چنان گسترش داد که توانستیم در مدت پنج سال و نیم از تعرض استراتژیک نیروهای عمده تجاوزکاران ژاپنی بر ضد جبهه گومیندان کاملاً جلوگیری، این نیروها را بسوی خویش جلب کنیم، گومیندان را از وضع دشواری که در صحنه خاص عملیات او پیش آمده بود بیرون آوریم و جنگ مقاومت متمادی را ادامه دهیم. اما در طی این مرحله، برخی از رفقای ما دچار اشتباه شدند: به امپریالیسم ژاپن کم بها دادند (از این جهت خصلت متمادی بودن و سهمگین بودن جنگ را منکر میشدند، تقدم جنگ متحرك را که بوسیله واحدهای بزرگ انجام میگیرد توصیه میکردند و نقش جنگ پارتیزانی را كوچك میشمردند)، به گومیندان تکیه کردند و در اثر فقدان روشن بینی نتوانستند میاست مستقلی بکار برند (از اینجا بود روحیه تسلیم طلبی

آنها در برابر گویندگان و اینکه در اجرای سیاست حزب مبنی بر بسیج جسورانه توده‌ها بمنظور ایجاد پایگاه‌های دموکراتیک ضد ژاپنی در پشت جبهه دشمن و افزایش وسیع نفرات نیروهای مسلح تحت رهبری حزب ما دچار تزلزل میشدند). از سوی دیگر اعضاء جدیدی که حزب ما بتعداد زیاد پذیرفته بود تجربه نداشتند و پایگاههای ما در پشت جبهه دشمن که همه نوظهور بودند استحکام نیافته بودند. در این مرحله در اثر سیر مساعد حوادث، اعتلاء حزب ما و نیروهای مسلح ما نوعی خودپسندی در صفوف حزب پدید آمد و بسیاری از اعضاء ما گرفتار باد غرور شدند. معذک ما طی این مرحله بر انحراف راست در حزب غلبه کردیم و سیاست مستقل بکار بردیم، نه فقط بر امپریالیسم ژاپن ضربه زدیم، پایگاهها بوجود آوردیم و ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را توسعه دادیم بلکه نخستین حمله خونین ضد کمونیستی گویندگان را نیز دچار شکست ساختیم.

سالهای ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ مرحله دوم است. امپریالیست‌های ژاپنی بمنظور تدارک و از پیش بردن جنگ بر ضد انگلستان و آمریکا اجرای سیاستی را که پس از سقوط اوهان تغییر داده بودند بیشتر توسعه دادند باین طریق که حملات عمده خویش را نه بر گویندگان بلکه بر حزب کمونیست وارد ساختند. نفرات بازهم بیشتری از نیروهای عمده خویش را در پیرامون کلیه پایگاههای تحت رهبری حزب کمونیست گرد آوردند، پشت سرهم به "عملیات امعائی" دست زدند، سیاست وحشیانه خود را مبنی بر "پاک سوزاندن، پاک کشتن و پاک غارت کردن" بموقع اجرا در آوردند و باین طریق حملات خود را بر علیه حزب ما متمرکز میساختند. از اینجهت حزب ما در طی این دو سال در وضعیت بسیار

دشواری افتاد . طی این مرحله پایگاههای ما کوچک شدند ، جمعیت آنها به کمتر از ۵ میلیون نفر تقلیل یافت ، تعداد نفرات ارتش هشتم به ۳۰۰۰۰۰ تنزل کرد ، تلفات ما از حیث کادرها سنگین بود ، در امور مالی و اقتصادی ما دشواریهای فراوانی بوجود آمدند . در این مدت گویندگان که دستش باز مانده بود با کلیه وسائل با حزب ما پیکار میکرد . وی به دومین حمله خونین ضد کمونیستی دست زد و حملات خویش را با حملات امپریالیستهای ژاپنی بر علیه ما همراه ساخت . اما این وضعیت دشوار برای ما کمونیستها سرشار از آموزش بود و خیلی چیزها بما یاد داد . ما آموختیم که با عملیات "امحائی" دشمن ، با سیاست "خائیدن" (۸) او ، با مبارزه "بمنظور تحکیم امنیت همگانی" (۹) او ، با سیاست "پاک سوزاندن ، پاک کشتن و پاک غارت کردن" او ، با این سیاست او که افراد ما را به ارتداد از نظریات سیاسی خویش وامیدارد مبارزه کنیم . ما آموختیم و یا آموختن آغاز نهادیم که "سیستم سه ثلث" را در ارگانهای حکومتی جنبه متحد چگونه بکار بندیم ، سیاست ارضی را چگونه بموقع عمل درآوریم ، جنبش اصلاح سه سبک ، سبک آموزش خویش ، سبک حزب در ارتباطات داخلی و خارجیش ، سبک نگارش خویش را چگونه از پیش بریم ، سیاست "سپاهیان کمتر ولی بهتر و دستگاه اداری سادهتر" و همچنین سیاست توحید رهبری را چگونه عملی سازیم ، جنبش برای "پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق" را چگونه گسترش بخشیم و تولید را چگونه توسعه دهیم . ما تقایص چندی را از میان بردیم و حتی آن خودپسندی را که در طی مرحله اول در نزد عدهای از رفقایمان بظهور رسیده بود رفع کردیم . با آنکه در این مرحله دوم تلفات سنگینی متحمل شدیم پا برجا ماندیم . از يك سو حملات

تجاوزکاران ژاپنی و از سوی دیگر دوسین حمله خونین ضد کمونیستی گویندگان را عقب زدیم . حملات گویندگان بر حزب کمونیست و نبردهائی که لازم آمد ما برای دفاع از خودمان انجام دهیم در حزب ما نوعی انحراف چپروانه بوجود آورد . مثلاً بتصور اینکه قطع همکاری بین گویندگان و حزب کمونیست بزودی روی خواهد داد بیش از اندازه بر مالکان ارضی حمله شد و در جلب غیر کمونیست‌ها مسامحه بعمل آمد . ولی در این مورد نیز ما از عهده غلبه بر این انحراف بر آمدیم . در مبارزه خویش بر ضد "اصطکاکاتی" که بوسیله گویندگان ایجاد میشد اصل "حق داشتن ، سود جستن و اندازه نگهداشتن" را تأیید کردیم . در کار خویش در جبهه متحد نشان دادیم که بکار بستن "وحدت و مبارزه ، وحدت بوسیله مبارزه" ضروری است و این امر بما امکان داد که جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را در سراسر کشور و همچنین در پایگاههای خود حفظ کنیم .

مرحله سوم از ۱۹۴۳ است تا امروز . تأثیر تدابیر سیاسی ما بیشتر شده است . بویژه جنبش اصلاح سه سبک و توسعه تولید بچنان نتایج قطعی رسیده که حزب ما را در زمینه ایدئولوژیک و مادی در موضع تسخیرناپذیری قرار داده است . بعلاوه ما در سال گذشته آموخته‌ایم ویا آموختن آغاز نهاده‌ایم که بوضع کادرها رسیدگی کنیم و با عمال مخفی بمبارزه پردازیم . در چنین احوالی است که پایگاههای ما از نو رو بتوسعه نهاده‌اند ، جمعیت آنها بر بیش از ۸۰ میلیون - اگر کلیه کسانی را که بما مالیات غلات میدهند و از آن جمله کسانی را که در عین حال باید به مقامات پوشالی هم مالیات غلات بدهند بحساب آوریم - بالغ گردیده است ، نفرات ارتش ما به ۷۰۰,۰۰۰ و نفرات

چریک توده‌ای ما به ۲,۲۷۰,۰۰۰ رسیده و حزب ما توانسته است تعداد
اعضاء خود را به ۹۰۰,۰۰۰ برساند .

در ۱۹۴۳ میلیتاریست‌های ژاپنی سیاست خود را در مورد چین
بهیچوجه عوض نکردند ؛ آنها حملات عمده خود را همچنان بر حزب
کمونیست وارد میسازند . از پیش از سه سال پیش یعنی از ۱۹۴۱ بیش
از ۶۰ درصد سپاهیان ژاپنی در چین با تمام وزن خویش بر روی پایگاههای
ضد ژاپنی که تحت رهبری حزب ما است فشار سی‌آورند . در طی این
سال‌ها نیروهای گومیندان که در پشت جبهه دشمن باقی مانده بودند -
چندین صد هزار نفر - نتوانستند در برابر ضربات اسپریالیسم ژاپن مقاومت
ورزند ، قریب نیمی از آنها تسلیم شدند ، قریب نیمی از آنها نابود شدند .
فقط عده خیلی جان بدر بردند و یا عقب نشستند . آنگاه سپاهیان که
بدشمن تسلیم شدند بجنگ با حزب ما روی آوردند و حزب ما باین طریق
میبایست در مقابل بیش از ۹۰ درصد سپاهیان پوشالی نیز بمقاومت
بپردازد . و حال آنکه در مقابل گومیندان کمتر از ۴۰ درصد از
نیروهای ژاپنی و کمتر از ۱۰ درصد از سپاهیان پوشالی قرار داشتند .
در طی پنج سال و نیم که از سقوط اوهان در اکتبر ۱۹۳۸ گذشته است
میلیتاریست‌های ژاپنی بهیچ تعرض استراتژیک بر علیه جبهه گومیندان
دست نزدند . آنها به چند اقدام نسبتاً مهم در زمینه عملیات اکتفا کردند
(در جه جیان - جیان سی ، در چان شا ، در حو به غربی ، در حه نان
جنوبی و در چان ده) که در واقع چیز دیگری جز دستبرد نبود و حال
آنکه عمده توجه خویش را بر روی پایگاههای ضد ژاپنی تحت رهبری
ما متمرکز میساختند . در چنین وضعیتی سیاست گومیندان عبارت بود از
"رخت بکوهستان کشیدن" و "به مصاف دادن دیگران نظاره کردن".

گومیندان یابن اکتفا سیورزید که هر وقت دشمن حمله ور میشود فقط چند ضربه بزند و هر وقت دشمن بر میگردد دست روی دست بگذارد . در ۱۹۴۳ گومیندان سیاست داخلی بازهم ارتجاعی تری در پیش گرفت و به سوین حمله خونین ضد کمونیستی دست زد که ما آنرا نیز با شکست روبرو ساختیم .

از ۱۹۴۳ تا بهار امسال تجاوزکاران ژاپنی در جبهه اقیانوس آرام پیوسته با ناکامی هائی روبرو گشته اند و آمریکا تعرض متقابل خویش را توسعه داده است . و اینک در غرب ، هیتلر در زیر ضربات نیرومند ارتش سرخ شوروی بر روی پای خود بند نمیشود . اسپریالیست های ژاپنی برای اجتناب از ناپودی باین فکر افتاده اند که راه آهن سرتاسری بی پین - حان کو و حان کو - گوان جو را برای حمل و نقل بکشایند و چون می بینند که سیاست آنها در ترغیب گومیندان چون چینگ به تسلیم هنوز به نتیجه نرسیده است لازم میدانند که ضربه جدیدی بر او بزنند . از اینجهت برای امسال نقشه تعرض پردامنه ای بر علیه جبهه گومیندان تنظیم کرده اند . نبرد حه نان (۱۰) بیش از یک ماه است که ادامه دارد . دشمن فقط چند لشکر در این نبرد بکار انداخته است و معدک سپاهیان گومیندان که چند صد هزار نفراند بدون مصاف دادن بهزیمت رفته اند . فقط سپاهیان که بنام ماغمه نامیده میشوند توانسته اند مقاومتی بنمایند . در نیروهای تحت فرماندهی تان ئن بوه افسران از نفرات خویش و نفرات از اهالی بیگانه اند ، بی نظمی کامل برقرار است و بیش از دو سوم نفرات از دست رفته اند . همچنین چند لشگری که حوزون نان به حه نان فرستاده است با نخستین ضربه مضمحل شده اند . این وضعیت فقط از آن سیاست ارتجاعی که گومیندان در چند سال اخیر بکار میبرد نتیجه میشود . در عرض پنج

سال و نیم که از سقوط اوهان میگذرد صحنه عملیات مناطق آزاد شده که تحت رهبری حزب کمونیست هستند وظیفه سنگین مقاومت در برابر نیروهای عمده ژاپنی و پوشالی را برعهده داشته است . با آنکه در آینده ممکن است تغییراتی روی دهد ، تغییرات مذکور فقط گذرا خواهد بود زیرا که گویندگان که در اثر سیاست ارتجاعی مقاومت غیرفعال در برابر ژاپن و مبارزه فعال بر علیه حزب کمونیست در انحطاط عمیقی افتاده است بیگمان به شکست‌های عظیمی دچار خواهد آمد و آنگاه وظیفه حزب ما در نبرد بر علیه دشمن تجاوزکار و پوشالیان او سنگین تر خواهد شد . گویندگان که مدت پنج سال و نیم در برابر حوادث دست روی دست گذاشته قدرت نبرد آزمائی خود را از دست داده است . حزب کمونیست که مدت پنج سال و نیم به پیکاری سخت مشغول بوده قدرت نبرد آزمائی خود را تقویت کرده است . اینست آنچه سرنوشت چین را تعیین خواهد کرد .

چنانکه رفقای ما ملاحظه میکنند نیروهای دسوکراتیک توده‌ای تحت رهبری حزب ما در طی هفت سال پس از ژوئییه ۱۹۳۷ ، متوالیاً از سه مرحله زیرین گذشته‌اند : اعتلاء ، فروکش و اعتلاء مجدد . ما حملات پرخشم و کین تجاوزکاران ژاپنی را عقب زدیم ، پایگاههای انقلابی وسیع بوجود آوردیم ، توسعه بسیار به حزب و ارتش بخشیدیم ، سه حمله پردازانه خونین ضد کمونیستی گویندگان را با شکست روبرو ساختیم و بر نظریات اشتباه‌آمیز راست و " چپ " در درون حزب فائق آمدیم . باین طریق حزب ما تجربه‌ای غنی و گرانقدر بدست آورد . اینست تراژنامه حزب ما در طی این هفت سال گذشته .

وظیفه کنونی ما عبارتست از آماده شدن برای انجام مسئولیتی بازم

بزرگتر : مسئولیت طرد تجاوزکاران ژاپنی از چین ، در هر اوضاع و احوالی که پیش بیاید . باین منظور باید حزب ، ارتش و پایگاههای خویش را بازهم بیشتر توسعه دهیم و تحکیم کنیم ، باید بکار در شهرهای بزرگ و در طول راههای عمده ارتباط پردازیم و به کار در شهر همانقدر اهمیت بدهیم که به کار در پایگاهها .

در مورد کار در پایگاهها میتوان گفت که ما در طی مرحله اول توانستیم به پایگاهها وسعت بسیار بخشیم بدون آنکه بتوانیم آنها را تحکیم کنیم . از اینجهت همینکه در طی مرحله دوم ضربات شدید دشمن بر آنها وارد آمد کوچک شدند . در این مرحله کلیه پایگاههای ضد ژاپنی تحت رهبری حزب ما از آزمایش سختی گذشتند بطوریکه در آنها نسبت سرچله اول پیشرفت‌های بزرگ بدست آمد ؛ کادرها و اعضاء حزب سطح ایدئولوژی خود را بسیار بالا بردند و سیاست ما را بمراتب بهتر دریافتند . بسیاری چیزها آموختند که قبلاً نمیدانستند . ولی برای روشن ساختن افکار و بررسی سیاست ، وقت لازم است و ما هنوز خیلی چیزها باید بیاموزیم . حزب ما هنوز باندازه کافی نیرومند نیست ، باندازه کافی متحد نیست ، باندازه کافی محکم نیست . بالنتیجه نمیتواند مسئولیتی بزرگتر از آنچه اکنون دارد برعهده گیرد . از این پس در همان جریان جنگ مقاومت باید حزب ، ارتش و پایگاههای خود را بازهم توسعه دهیم و تحکیم کنیم . بمنظور آنکه برای کار عظیم آینده خویش آمادگی ایدئولوژیک و مادی داشته باشیم این نخستین وظیفه ضروری است . بدون این امر ما نخواهیم توانست تجاوزکاران ژاپنی را برانیم و سراسر چین را برهانیم .

کار در شهرهای بزرگ و در طول راههای عمده ارتباط همیشه

ناکافی بوده است . اینک اگر ما نکوشیم که ده‌ها میلیون نفر توده زحمتکش و سایر اهالی را که در شهرهای بزرگ و در طول راههای عمده ارتباط در زیر ستم امپریالیست‌های ژاپنی بسر میبرند بدور حزب خویش گرد آوریم و آنها را برای قیام مسلح آماده سازیم سپاهیان ما و پایگاههای روستائی ما از پشتیبانی شهرها محروم خواهند شد و با دشواریهای فراوان روبرو خواهند گردید . بیش از ده سال است که ما در مناطق روستائی بسر میبریم . لازم بود که رقبا را تشویق کنیم این مناطق را خوب بشناسند و لازم بود که بیش از همه به ساختمان پایگاهها توجه کنیم . در این دوره وظیفه تدارک قیام در شهرها ، آنطور که در کنگره ششم حزب تصمیم گرفته شد ، بموقع اجرا در نیامد و ممکن نبود دربیاید . اما حالا وضع دیگری است . قطعنامه کنگره ششم بعد از کنگره هفتم اجرا خواهد شد . بزودی کنگره هفتم حزب ما تشکیل خواهد یافت و مسائل مربوط به تقویت کار در شهرها و احراز پیروزی در مقیاس ملی را مورد بحث قرار خواهد داد .

کنفرانس صنعتی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا که این روزها جریان دارد دارای اهمیت بزرگی است . در ۱۹۳۷ این منطقه مرزی فقط ۷۰۰ کارگر داشت . در ۱۹۴۲ تعداد آنها به ۷,۰۰۰ رسید و اینک ۱۲,۰۰۰ است . نباید اهمیت این رقم را کم ارزیابی کرد . ما باید در همین پایگاهها اداره کردن صنعت ، تجارت و ارتباطات شهرهای بزرگ را بخوبی بیاموزیم و گرنه در موقع خود غافلگیر خواهیم شد . پس دومین وظیفه ضروری ما در آمادگی ایدئولوژیک و مادی عبارتست از تدارک قیام مسلح در شهرها و در طول راههای عمده ارتباط و آموختن اداره صنعت و تجارت . بدون این امر نیز ما نخواهیم توانست تجاوزکاران

ژاپنی را برانیم و سراسر چین را برهائیم .

۳

ما برای آنکه پیروزی‌های جدید بدست آوریم باید کادرهای حزب را فرا خوانیم باینکه بار خود را زمین بگذارند و ماشین را به حرکت در آورند. "بار خود را زمین گذاشتن" عبارتست از آزاد ساختن ذهن از آنچه سر بار آنست. بسیاری از چیزها اگر ما بی‌بصرانه و ناآگاهانه پابند آنها شویم ممکن است بصورت بار در آیند و باعث زحمت ما گردند. چند مثال می‌آوریم. اگر شما اشتباهاتی مرتکب شده‌اید شاید چنین احساسی بشما دست دهد که در هر حال این اشتباهات بر دوش شما خواهند ماند، و آنگاه دستخوش یأس گردید؛ اگر شما اشتباهاتی مرتکب نشده‌اید شاید خود را مصون از خطا بیندارید و آنگاه دچار غرور شوید. ناکامی در کار ممکن است موجب بدبینی و دلزدگی گردد و کاسیایی موجب نخوت و خودپسندی. رفیقی در اثر اینکه سابقه‌اش در مبارزه کم است ممکن است در صدد گریختن از مسئولیت بر آید و رفیق کهن در اثر سابقه طولانی خویش در مبارزه ممکن است عناد ورزد. رفیق کارگر یا دهقان ممکن است بغرور سنشاء طبقاتی خویش از بالا به روشنفکر نگاه کند و روشنفکر بعلت معلوماتی که دارد ممکن است نسبت به رفیق کارگر یا دهقان تحقیر داشته باشد. هر تخصص حرفه‌ای ممکن است بصورت سرسایه شخصی در آید که به خودپسندی و خوار شمردن دیگران منجر گردد. حتی سن و سال ممکن است انگیزه غرور شود؛ جوانان که خود را با هوش و کاردان می‌پندارند به پیران ارجی

نمینهند و پیران که توانگر تجارب‌اند به جوانان بدیده تحقیر مینگرند. همه اینها وقتی که وجدان منتقدی در کار نیست بصورت بار درمی‌آیند و موجب درد سر میگردند. يك دليل مهم آنکه برخی از رفقا خود را بر بالای توده‌ها قرار میدهند، از آنها جدا میگردند و پشت سرهم مرتکب اشتباه میشوند اینست که چنین باری را حمل میکنند. پس شرط قبلی و ضروری پیوستن به توده‌ها و کمتر اشتباه کردن عبارتست از رسیدگی به بارهائی که بر روی انسان سنگینی میکند و زمین گذاشتن آنها تا آنکه ذهن انسان آزاد شود. چندین مرتبه در تاریخ حزب ما خودپسندی عظیم در صفوف ما بظهور رسید و ما از نتایجش زیان دیدیم. نخستین بار در نیمه اول سال ۱۹۲۷ بود. در آن موقع ارتش لشگرکشی بشمال به اوهان رسیده بود و برخی از رفقا گرفتار چنان خودپسندی، چنان غروری شده بودند که فراموش کردند گویندگان متتهز حمله بر ماست. نتیجه‌اش عبارت بود از مشی اشتباه‌آمیز چن دو سیو که به شکست انقلاب منتهی شد. دومین بار در سال ۱۹۳۰ بود. ارتش سرخ با استفاده از جنگ پردازانه بین چانکایشک از یکطرف و فون یوسیان و ین سی شان از طرف دیگر (۱۱) در چند نبرد پیروز گردیده بود. دوباره برخی از رفقا گرفتار خودپسندی و غرور شدند. نتیجه‌اش عبارت بود از مشی اشتباه‌آمیز لی لی سان که نیز موجب ایراد تلفاتی بر نیروهای انقلابی گردید. سومین بار در سال ۱۹۳۱ بود. ارتش سرخ در نبرد خود بر ضد گویندگان سومین عملیات "محاصره و سرکوب" را درهم شکسته بود و بلافاصله پس از آن خلق چین در برابر حمله ژاپنی‌ها به جنبش توفانی ضد ژاپنی برخاسته بود. در آن موقع دوباره برخی از رفقا گرفتار خودپسندی و غرور شدند. نتیجه‌اش عبارت بود از پیدایش مشی اشتباه‌آمیز بازهم

وخیم‌تری که بقیمت از دست رفتن قریب . ۹ درصد نیروهای انقلابی که با آنهمه زحمت گرد آورده بودیم ، تمام شد . چهارمین بار در سال ۱۹۳۸ بود . جنگ مقاومت آغاز شده و جبهه متحد برقرار گردیده بود . بار دیگر برخی از رفقا گرفتار خودپسندی و غرور شدند و این امر موجب گردید که باشتباهی نظیر شی چن دوسیو دست بزنند . این مرتبه هم کار انقلابی در آنجاهائی که افکار اشتباه‌آمیز اینان شدیدتر مؤثر افتاده بود ، صدمه فراوان دید . پس رفقای سراسر حزب باید از این مثالهای اشتباهات ناشی از غرور پند بگیرند . اخیراً ما نوشته گوه سوه ژوه را در باره لی زی چن (۱۲) دوباره چاپ کردیم تا رفقا بتوانند از این تاریخ بیاموزند و دیگر در لحظات کامیابی دستخوش خودپسندی نشوند .

”ماشین را بحرکت در آوردن“ عبارتست از استفاده کامل از ارگان اندیشه . برخی از رفقا اگرچه ذهنشان در زیر هیچ باری کوفته نشده‌است و اگرچه این شایستگی را دارند که با توده‌ها در پیونداند فکر کردن بلد نیستند و نمیخواهند به مغز خود فشار بیاورند و از اینجهت بجائی نمیرسند . رفقائی دیگر بعلت اینکه ذهنشان در زیر فشار بار کرخ شده‌است از بکار انداختن مغز خویش امتناع دارند . لنین و استالین غالباً توصیه میکردند که خوب فکر کنیم . ما نیز همین توصیه را داریم . خصوصیت ماشین مغز عبارتست از اندیشیدن . منسیوس میگفت : ”عمل ذهن عبارتست از اندیشیدن .“ (۱۳) تعریف او از نقش مغز صحیح است . ما باید پیوسته مغز خود را بکار بریم و در باره هر چیز کاملاً بیندیشیم . يك ضرب‌المثل میگوید : ”يك گره که با برو بی‌افتد يك حيله جنگی بذهن میرسد“ . بعبارت دیگر تفکر پخته زاینده خرد است . برای آنکه از رسم معمول در حزب که کورکورانه عمل میکنند خلاص

شویم باید رفقا را به تفکر ، به آموختن شیوه تحلیلی و به اشاعه عادت به آن تشویق کنیم . این عادت بهیچوجه در حزب ما متداول نیست . اگر بارهای خود را زمین بگذاریم و ماشین را بحرکت در آوریم ، اگر سبکبار و قادر بتفکر باشیم پیروزمند خواهیم بود .

یادداشتها

- ۱ - اشاره است به چهارمین پلنوم کمیته مرکزی منتخب ششمین کنگره حزب کمونیست چین . این پلنوم در ژانویه ۱۹۳۱ منعقد شد .
- ۲ - لینن : « کمونیسم » . مراجعه شود به « مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین » ، یادداشت ۱۱ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۱ .
- ۳ - مراجعه شود به « درباره تاکتیکهای مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن » ، یادداشت ۳۰ ، همانجا .
- ۴ - اشاره است به پنجمین پلنوم کمیته مرکزی منتخب ششمین کنگره حزب کمونیست چین . این پلنوم در ژانویه ۱۹۳۴ منعقد شد .
- ۵ - این جلسه مسئله مشی سیاسی حزب را در مراحل مختلف تاریخ آن و بویژه در طی دومین جنگ داخلی انقلابی مورد بررسی قرار داد .
- ۶ - کناره‌نشینی کوهستانی عبارتست از گرایش به روحیه گروه پرستی که بطور عمده زائده شرایط جنگ پارتیزانی متمادی است که در طی آن پایگاههای انقلابی روستائی بحالت تفرق و جدا از یکدیگر وجود داشتند . نخستین پایگاهها اکثراً در مناطق کوهستانی بوجود آمدند و هر يك از آنها خود را بمنزله واحد جداگانه‌ای میدید و به صخره منفردی شباهت داشت . کلمه کناره‌نشینی کوهستانی برای نشان دادن این گرایش اشتباه‌آمیز پیدا شده است .
- ۷ - در مناطق نسبتاً استوار پایگاهها اهالی مالیات غلات را فقط به دولت دموکراتیک ضد ژاپنی میپرداختند . ولی در مناطق اطراف این پایگاهها و در مناطق پارتیزانی که پیوسته در معرض ابتداء دشمن قرار داشتند ، غالباً اهالی مجبور بودند مالیات دیگری از غلات بمقامات پושالی بپردازند .
- ۸ - پس از آنکه تعرض وسیع امپریالیست‌های ژاپنی بر پایگاههای ضد

ژاپنی با شکست مواجه شد ، آنان از شیوه " بلعیدن " سریع سرزمین پایگاهها به شیوه " خائیدن " بطی و تدریجی آنها روی آوردند . آنان در صدد برآمدند که اراضی تسخیر شده را بطور منظم تحکیم کنند ، بحملات دقیقاً تدارک شده پردازند و بخشی را پس از بخش دیگر بتصرف در آورند تا باین طریق سرزمین پایگاههای ضد ژاپنی را کوچک کنند و سرزمین مناطق اشغالی خویش را توسعه دهند .

۹ - در مارس ۱۹۴۱ تجاوزکاران ژاپنی و خائنان چینی در چین شمالی به " مبارزه برای تحکیم امنیت همگانی " دست زدند که شامل میشد بر تجسسات ، بر استقرار سیستم ضمانت مشترك بانو - جیا ، بر رسیدگی به هویت افراد از خانه‌ای به خانه دیگر و بر تشکیل دسته‌های پوشالی ، وهمه اینها بمنظور سرکوب نیروهای ضد ژاپنی .

۱۰ - در مارس ۱۹۴۴ تجاوزکاران ژاپنی به این نبرد دست زدند و ۵۰,۰۰۰ الی ۶۰,۰۰۰ نفر در آن بکار انداختند . نفرات ارتش گومیندان که تحت فرماندهی جیان دین وین ، تان تن بوه و حوزون نان و بالغ بر ۴۰۰,۰۰۰ بودند در برابر مهاجمین ژاپنی بتمام معنی بخار شدند . سی و هشت شهرستان و از آنجمله شهرهای جن جو و لوه یان ، یکی پس از دیگری بدست دشمن افتادند . تان تن بوه ۲۰۰,۰۰۰ نفر را از دست داد .

۱۱ - این تصادم پردامنه بین دیکتاتورهای نظامی ، یعنی چانکایشک از یکطرف و فون یوسیان وین سی شان از طرف دیگر که در طول راه آهن‌های لون های و تیانزین - پوکو روی داد مدت شش ماه از مه تا اکتبر ۱۹۳۰ بطول انجامید . تلفات طرفین بر ۳۰۰,۰۰۰ تن بالغ میشد .

۱۲ - گوه موه ژوه در ۱۹۴۴ اثری نوشت بنام « سیصد سالگی قیام ۱۶۴۴ » بمناسبت یاد کرد پیروزی این شورش دهقانی که در آخر سالهای سلسله مین بوسیله لی زی چن رهبری میشد . گوه موه ژوه در آنجا توضیح میدهد که ارتش شورشیان از آنجهت در ۱۶۴۵ مغلوب شد که پس از آنکه ارتش مذکور در ۱۶۴۴ وارد پکن گردید برخی از سرانش در اثر زندگی پر جلال و پر عشرت فاسد شدند و مبارزه‌ای تفرقه‌انگیز در صفوف آنان بوقوع پیوست . این اثر نخست در چون چینگ ، در روزنامه « سین هوا ژیبائو » در آمد و سپس بصورت جزوه‌ای در ین ان و جاهای دیگر مناطق آزاد شده بچاپ رسید .

۱۳ - استخراج از « منسیوس » ، کتاب ۱۱ ، " گائوزی " بخش ۱ .

بخلق خدمت کنید!

(۸ سپتامبر ۱۹۴۴)

حزب کمونیست ما و همچنین ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید که تحت رهبری حزب کمونیست قرار دارند ، همگی گردانهای انقلابند . این گردانهای ما کاملاً وقف امر آزادی خلق اند و تماماً در جهت منافع خلق کار میکنند . رفیق جان سی ده (۱) یکی از رزمندگان این گردانها بود . مرگ انسان حتمی است ، ولی همه مرگها دارای ارزش مساوی نیستند . نویسنده باستانی چین سی ما چیان مینویسد : ” همه کس میمیرد ، ولی مرگ یکی ممکن است سنگینتر از کوه تای و مرگ دیگری سبکتر از پر قو باشد . “ (۲) مرگ بخاطر منافع خلق سنگینتر از کوه تای است ، ولی خدمت به فاشیستها و مرگ بخاطر منافع استثمارگران و استثمارگران سبکتر از پر قو است . رفیق جان سی ده جان خود را در راه منافع خلق از دست داد و مرگ او سنگینتر از کوه تای است .

ما بخلق خدمت میکنیم و از اینرو اگر نواقصی داشته باشیم ، از تذکر و انتقاد دیگران هراسی نداریم . نشان دادن نواقص ما از طرف

اثر حاضر متن سخنرانی رفیق مائو تسه دون در مجلس یادبود رفیق جان سی ده میباشد که از طرف ارگانهای مختلف وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برگزار گردیده بود .

هر کس که باشد ، جایز است ؛ و اگر او برحق باشد ، ما آن نواقص را اصلاح خواهیم کرد . هر گاه پیشنهادی که او مطرح میکند بسود خلق باشد ، ما طبق آن عمل خواهیم کرد . پیشنهاد ”سپاهیان کمتر ولی بهتر و دستگاه اداری ساده تر“ از طرف آقای لی دین سین (۳) که کمونیست هم نیست ، مطرح گردید ؛ پیشنهادی که او مطرح کرد ، درست و بحال خلق سودمند بود ، و از اینرو بود که ما آنرا پذیرفتیم . هر گاه ما بخاطر منافع خلق روی هر آنچه که درست است ، پافشاری کنیم و باز بخاطر منافع خلق هر آنچه را که نادرست است ، اصلاح نمائیم ، آنگاه صفوف ما حتماً رونق خواهد یافت .

ما که از نقاط مختلف کشور باینجا آمده ایم ، بخاطر هدف انقلابی مشترک گرد هم جمع گشته ایم و میخوایم باتفاق اکثریت عظیم خلق چین این راه را همچنان ادامه دهیم . امروز ما رهبری پایگاه‌هایی با جمعیت ۱۹ میلیون نفر را در دست داریم (۴) ، ولی این کافی نیست ؛ ما باید پایگاه‌های خود را همچنان توسعه دهیم و فقط در این صورت است که خواهیم توانست به آزادی تمام ملت دست یابیم . رفقای ما در روزهای سخت نباید کامیابیهای خود را از نظر دور بدارند ، بلکه باید به آینده تابناک چشم اندازند و بر جرأت و جسارت خود بیفزایند . خلق چین متحمل مصائب سختی گردیده است ؛ این وظیفه ما است که خلق چین را نجات دهیم و در این مبارزه آنچه که در نیرو داریم ، بکار بندیم . در هر جا که مبارزه هست ، قربانی نیز وجود دارد ، و مرگ امری طبیعی است . ولی ما بمنافع خلق و به رنجهای اکثریت عظیم خلق میاندیشیم ، و چنانچه جان خود را در راه امر خلق از دست دهیم ، مرگ ما سرگی ارزنده خواهد بود . معدلك ما باید با تمام قوا بکوشیم تا حتی الامکان

از شماره قربانیان غیرلازم کاسته شود . کادرهای ما باید از یکایک سربازان مواظبت کنند ، تمام رزمندگان صفوف انقلابی باید یکدیگر توجه کنند ، یکدیگر را دوست بدارند و بهم کمک نمایند .

از این پس ، ما باید از هرکس که از میان صفوف ما بدرود حیات میگوید — خواه آشپز باشد و یا رزمنده ، در صورتیکه شمر ثمر بوده باشد — تشییع جنازه بعمل آوریم و برای او مجلس یادبودی تشکیل دهیم . این باید بصورت یک قاعده درآید . مردم را نیز باید با این متد آشنا ساخت . هرگاه کسی در ده فوت کند ، باید باحتراسش مجلس یادبودی تشکیل داد . بدین ترتیب ما تأثر خود را بیان میکنیم و تمام خلق را متحد میسازیم .

یادداشتها

۱ - رفیق جان سی ده سرباز هنگ نگهبانی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بود . او در سال ۱۹۳۳ به صفوف انقلابی پیوست و در راهپیمائی طولانی شرکت جست و در حین انجام وظیفه زخمی شد . رفیق جان سی ده کمونیست بود و صادقانه بخلق خدمت میکرد . او در ۵ سپتامبر ۱۹۴۴ در اثنای تهیه ذغال چوب در کوهستانهای شهرستان ان سائی واقع در شمال استان شنسی در اثر ریزش کوره ذغال درگذشت .

۲ - سی ما پچیان ادیب و مورخ معروف سده دوم قبل از میلاد مؤلف « یادداشتهای تاریخی » است که شامل ۱۳۰ فصل میباشد . در اینجا قسمتی از « پاسخ به نامه ژن شائو چینگ » او نقل گردیده است .

۳ - لی دین مین یکی از متنفذین روشن بین بخش شمالی استان شنسی بود که در آنزمان به معاونت رئیس دولت منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا انتخاب گردید .

۴ - مقصود مجموعه تعداد جمعیت منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین
میا و مناطق آزاد شده چین شمالی ، مرکزی و جنوبی است .

www.KetabFarsi.com